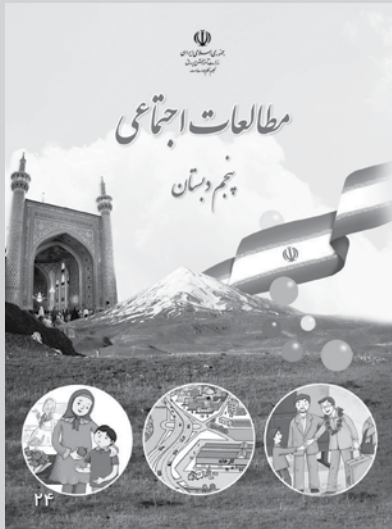


تفکر انتقادی در کتاب مطالعات اجتماعی

نقد و بررسی کتاب «مطالعات اجتماعی»
پایه پنجم ابتدایی براساس
مؤلفه‌های تفکر انتقادی لیمن

سیروس برخان

دبیر آموزش و پرورش شهرستان تکاب



مقدمه

در عصر حاضر، برنامه‌د رسی مطالعات اجتماعی، در کل نظام آموزشی، یکی از مهم‌ترین درس‌هاست و تأمین نیاز یادگیری مادام‌العمر فراگیرندگان را برعهده دارد. زیرا فراگیرندگان امروز شهروندان فردای جامعه محسوب می‌شوند که باید در ابعاد متفاوت رشد یابند و مهارت لازم را کسب کنند. از آنجا که تغییر و تحول در دنیای امروز در همه‌ ابعاد زندگی به صورتی دائمی و اجتناب‌ناپذیر وجود دارد، برنامه‌د رسی در هر جامعه مسئولیت آماده‌سازی فراگیرندگان را برای رویارویی با چنین موقعیت‌هایی بر عهده دارد. این امر می‌تواند از طریق توجه به پرورش تفکر انتقادی و رشد و بهبود قوه‌ قضاوت افراد تحقق یابد.

گسترش صلاحیت‌های تفکر برای رشد دانش‌آموزانی که به‌طور فزاینده در حال روبه‌رو شدن با جهان فناوری و طبعاً جهانی گسترده‌اند، حیاتی است. زیرا اشخاص نمی‌توانند دانش کافی را برای استفاده در آینده، در حافظه‌شان ذخیره کنند. اطلاعات به اندازه‌ای در حال گسترش است که اشخاص، برای اینکه قادر به اداره‌ مسائل مختلف، در زمینه و زمان‌های متفاوت زندگی‌شان باشند، نیازمند مهارت‌های قابل انتقال‌اند. پیچیدگی شغل‌های امروزی به افرادی نیاز دارند که بتوانند در تولید دانش و فرایندهای جدید مطلب را درک، قضاوت و مشارکت کنند. بسیاری از دانش‌آموزان ما ممکن است در آینده مشاغل داشته باشند که امروزه آن مشاغل وجود ندارند. بنابراین مهم است که دانش‌آموزان در مورد صلاحیت‌های پردازش تفسیر و ارزیابی اطلاعات جدید آموزش ببینند.

جوامع امروزی به شهروندانی نیاز دارد که اطلاعات منابع مختلف را جذب کنند، درست بودن آن را تشخیص دهند، و برای قضاوت از آن بهره بگیرند. بر همین مبنا لذا هالپرن معتقد

چکیده

هدف پژوهش حاضر نقد و بررسی کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره‌ تحصیلی ابتدایی براساس مؤلفه‌های «تفکر انتقادی» لیمن بود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا، و جامعه‌ آماری پژوهش شامل یک جلد کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بوده است. در این پژوهش حجم نمونه را برابر با حجم جامعه انتخاب کردیم. به منظور اعتباریابی و روایی صوری و محتوایی ابزار تحقیق نیز از دیدگاه متخصصان علوم تربیتی استفاده شد. پایایی پژوهش با استفاده از «فرمول پایایی هولستی» محاسبه گردید و ضریب توافق بین کدگذاران ۰/۸۱ به دست آمد. ابزار این پژوهش «فرم تحلیل محتوا» بود که براساس مؤلفه‌های تفکر انتقادی لیمن تنظیم شده بود.

نتایج حاصل حاکی از آن است که در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی بیشترین فراوانی مربوط به مؤلفه «ارزیابی مدارک و شواهد» (۲۹٪) و کمترین فراوانی مربوط به مؤلفه «صراحت‌داشتن» (۳٪) است. همچنین، از مجموع کل واحدهای دارای مؤلفه‌های تفکر انتقادی و فاقد آن در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی که شامل ۴۳۲ واحد متن و فعالیت و تصویر است، ۳۰۵ واحد آن (یعنی ۷۰٪) دارای مؤلفه‌های تفکر انتقادی هستند. بنابراین در جهت پرورش هر چه بهتر تفکر انتقادی باید به اصل تناسب در به‌کارگیری مؤلفه‌ها و همچنین محتوای متن، فعالیت و تصویر توجه بیشتری شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، تفکر انتقادی، کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی

است: هدف تعلیم و تربیت برای شهروند مردم‌سالار، پرورش تفکر انتقادی است. مطابق دیدگاه پل (۱۹۹۲): تفکر انتقادی یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت نیست، بلکه هدف اساسی آن است [به نقل از: بدری، ۱۳۸۵].

دیویی ماهیت و ذات تفکر انتقادی را «قضاوت معلق» یا «بدبینی سالم» (نقد سازنده) و «پرهیز از تعجیل در قضاوت» تعریف می‌کند، به عبارت دیگر، او تفکر انتقادی را، بررسی فعال، پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش می‌داند [مایرز، ۱۳۹۰]. **پل و الدر** (۲۰۰۶) چارچوب عملی تفکر انتقادی را یک فرایند شناختی می‌دانند و نشان می‌دهند که فقط با تبدیل شدن به تفکر درباره تفکر می‌توان توانایی‌های شخصی را برای ارزیابی استدلال‌ها و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های دیگران بهبود بخشید [Marnik, 2013:7].

آموزش تفکر انتقادی شامل ایجاد عمدی جو عدم تعادل است تا شاگردان بتوانند فرایندهای فکری خود را اصلاح کنند یا دوباره از نو بسازند. متأسفانه در طول سال‌های تعلیم و تربیت، آگاهی‌ها و حقایق بی‌شماری به دانش‌آموز عرضه می‌شوند، ولی نحوه تفکر و اصول اندیشیدن در او تقویت نمی‌شود. گویی استعداد اندیشیدن در جریان عمل به‌طور خودکار بروز می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده فقر مهارت نقد و ارزیابی در کلاس درس است. شاید به همین دلیل است که در حال حاضر، تفکر انتقادی به‌عنوان یک کمبود در سطح جهان، نظر کارشناسان را به‌طور جدی به خود جلب کرده است [تامسون، ۱۳۸۲].

کتاب درسی یا محتوای مواد آموزشی، به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز، محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که

فعالیت‌ها و تجربه‌های تربیتی دانش‌آموزان توسط معلم و حول محور آن سازمان‌دهی می‌شود و به بررسی و تحلیل علمی نیاز دارد. نوعی از تحلیل که برای برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی بسیار مفید و ضروری است، «تحلیل محتوایی» است [یارمحمدیان، ۱۳۹۱].

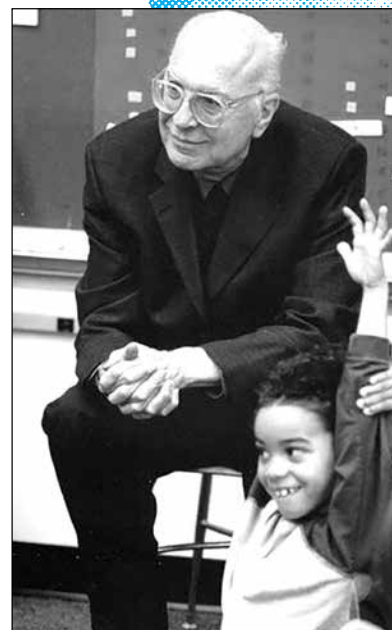
یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که نظام‌های آموزشی باید به آموزش آن همت گمارند، «مهارت تفکر انتقادی» است. متخصصان بزرگ تعلیم و تربیت با تأکید بر اهمیت تفکر، به‌ویژه تفکر انتقادی، پرورش آن را یکی از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت می‌دانند [مایرز، ۱۳۹۰]. برای رشد تفکر دانش‌آموزان و انتقال مهارت‌های این تفکرها به زمینه‌های دیگر، آنان باید بتوانند ارزش تفکر خود و تفکر دیگران را، با شناخت استانداردهای آشکار ارزش‌سنجی تفکر، تشخیص دهند. [Edman, 2009: 46]

بنابراین برای تحول در برنامه‌های آموزش و پرورش این چالش وجود دارد که نه تنها یک فرد نخبه، بلکه همه افراد را قادر سازند که متفکرانی مؤثر باشند. زیرا هر فردی به این قابلیت نیاز دارد. یادگیرندگان باید آگاهی‌شان را از خود به‌عنوان متفکر و یادگیرنده گسترش دهند، راهبردهایی را برای تفکر مؤثر تمرین کنند، و منش تفکر را که در طول زندگی به آن نیاز دارند، گسترش دهند [کتاب معلم تفکر و پژوهش ششم ابتدایی، ۱۳۹۱]. در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری کسب مهارت‌های تفکر انتقادی به ضرورتی غیرقابل انکار در بازار کار، رویارویی با سؤال‌های مادی و معنوی، ارزیابی دیدگاه‌ها، خط‌مشی‌های افراد، مؤسسه‌ها و نهایتاً مواجهه با مشکلات اجتماعی تبدیل شده است [Hatcher, 2005].

دانش‌آموزان ما پس از سال‌ها که تحصیل می‌کنند، باز هم فلسفی فکر نمی‌کنند و به دنبال حفظ طوطی‌وار و یادگیری تصنعی هستند. محتوای کتاب‌های درسی ما باید مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان را پرورش دهند تا یادگیرندگانی مادام‌العمر و شهروندانی مسئول، جهانی و نقاد باشند. بنابراین تحقیق و پژوهش در زمینه تفکر انتقادی و بررسی جایگاه آن برای دادن بازخورد و راهنمایی مناسب به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و همچنین معلمان مجری این کتاب‌ها، امری ضروری و مهم است. بر این اساس جهت ایفای نقش مؤثر و متناسب با تحولات جهانی و افزایش تأثیرگذاری محتوا، باید محتوای درسی از بعد تفکر انتقادی مورد توجه ویژه قرار گیرد، تا این محتوا با کسب ویژگی‌های لازم، به نیازهای اساسی دانش‌آموزان پاسخ دهد و تفکر انتقادی را در آنان پرورش دهد و از این رهگذر دانش‌آموزان به یادگیرندگان مادام‌العمر و شهروندانی مسئول تبدیل شوند. بر همین اساس در سال‌های اخیر در کشورمان برای حل چنین مشکلاتی، کارگزاران، متخصصان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت، درصدد تدوین سند تغییر و تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی برآمدند که اولین هدف اساسی آن «تربیت عقلانی» و تقویت تفکر و تعقل است [مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در راستای تحول بنیادین، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۲۷].



Lipman



در همین راستا پژوهشگر بر آن است که با توجه به تغییرات و تحولات زیادی که در سال‌های اخیر در نظام آموزشی کشورمان و به تبع آن در برنامه درسی کشور و محتوای آموزشی ایجاد شده‌اند، و همچنین با توجه به تدوین برنامه درسی ملی و هدف‌های آن که به روشنی به اهمیت تعقل و تفکر پرداخته است، در این تحقیق محتوای آموزشی کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی را با توجه به نقش و اهمیت این کتاب در پرورش انواع تفکر به خصوص تفکر انتقادی، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا میزان توجه و مطابقت آن با مؤلفه‌های تفکر انتقادی مشخص شود. با توجه به آنچه بیان شد، مسئله اساسی در این تحقیق

آن است که:

- تا چه اندازه‌ای در محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی به مؤلفه‌های تفکر انتقادی توجه شده است؟

روش‌شناسی تحقیق

محقق به منظور بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی (متن، فعالیت و تصویر) از روش تحلیل محتوا براساس مؤلفه‌های تفکر انتقادی لیپمن استفاده کرده است. جامعه آماری پژوهش کل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است:

در این پژوهش حجم نمونه برابر با حجم جامعه انتخاب شد. یعنی کل محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اصلی پژوهش: تا چه اندازه در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم، به مؤلفه‌های تفکر انتقادی توجه شده است؟ از مجموع کل واحدهای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی که ۴۳۲ واحد شامل ۱۹۲ واحد متن، ۷۲ واحد فعالیت و ۱۶۸ تصویر است، ۳۰۵ واحد آن، یعنی ۷۰ درصد از کل واحدهای کتاب دارای مؤلفه‌های تفکر انتقادی هستند که بر

حسب تمایز متن، فعالیت و تصویر، از ۱۹۲ واحد متن، ۱۲۷ واحد آن (۶۶٪)، از ۷۲ واحد فعالیت، ۵۹ واحد آن (۸۲٪)، و از ۱۶۸ واحد تصویر ۱۱۶ واحد آن (۶۹٪)، دارای تفکر انتقادی هستند. همچنین، داده‌های جدول ۱، نمای کلی میزان هر کدام از مؤلفه‌های نه‌گانه تفکر انتقادی را در مقایسه با هم در محتوای دارای تفکر انتقادی کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی نشان می‌دهد.

از مجموع ۳۰۵ واحد دارای تفکر انتقادی کل متن، فعالیت و تصویر تحت عنوان درس، ۵۲ واحد آن، یعنی ۱۷ درصد، مربوط به مؤلفه پرسشگری، ۳۴ واحد، یعنی ۱۱ درصد مربوط به مؤلفه تحلیل و ارزیابی، ۱۶ واحد، یعنی ۶ درصد مربوط به مؤلفه استدلال، ۹۰ واحد، یعنی ۲۹ درصد مربوط به مؤلفه ارزیابی شواهد و مدارک، ۴۴ واحد، یعنی ۱۴ درصد مربوط به تفسیر داده‌ها، ۳۴ واحد، یعنی ۱۱ درصد مربوط به مؤلفه جمعی بودن، ۱۳ واحد، یعنی ۵ درصد مربوط به مؤلفه قضاوت صحیح، ۱۲ واحد، یعنی ۴ درصد مربوط به مؤلفه منطقی بودن و ۱۰ واحد، یعنی ۳ درصد مربوط به مؤلفه صراحت داشتن است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین مقدار فراوانی مؤلفه‌ها نسبت به کل واحدهای کدگذاری شده (دارای تفکر انتقادی) مربوط به مؤلفه ارزیابی شواهد و مدارک (۲۹٪) و پرسشگری (۱۷٪)، و کمترین مقدار فراوانی مربوط به مؤلفه منطقی بودن (۴٪) و صراحت داشتن (۳٪) است.

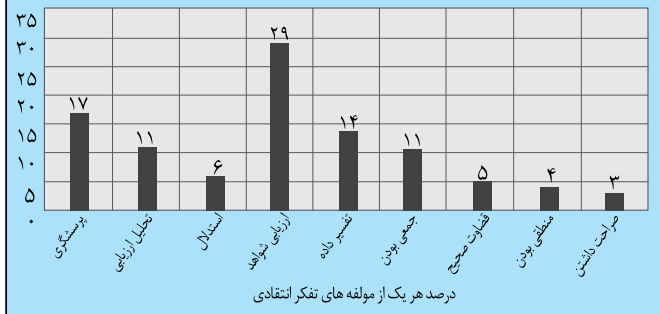
جدول ۱. بررسی میزان مؤلفه‌های تفکر انتقادی در مقایسه با هم در مطالعات اجتماعی پنجم ابتدایی

مؤلفه‌ها	پرسشگری	تحلیل و ارزیابی	استدلال	ارزیابی شواهد	تفسیر داده‌ها	جمعی بودن	قضاوت صحیح	منطقی بودن	صراحت داشتن	واحد دارای تفکر انتقادی	درصد به نسبت دارای تفکر انتقادی
متن	۳۰	۱۵	۶	۶۲	۱۰	۴	۳	۲	۵	۱۲۷	۴۲
فعالیت	۱۵	۶	۶	۱۵	۴	۵	۴	۲	۲	۵۹	۲۰
تصویرها	۷	۱۳	۴	۱۳	۳۰	۲۵	۶	۸	۳	۱۱۶	۳۸٪
مجموع دارای تفکر انتقادی	۵۲	۳۴	۱۶	۹۰	۴۴	۳۴	۱۳	۱۲	۱۰	۳۰۵	۱۰۰
درصد دارای تفکر انتقادی	۱۷	۱۱	۶	۲۹	۱۴	۱۱	۵	۴	۳	۱۰۰	—

تفکر انتقادی در کتاب مطالعات اجتماعی پنجم ابتدایی تا ۷۰ درصد محتوا را پوشش می‌دهد. البته باید در جهت پرورش هرچه بهتر تفکر انتقادی، به اصل تناسب در به‌کارگیری مؤلفه‌ها و همچنین محتوای متن، فعالیت و تصویر توجه بیشتری شود

کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی نسبت به کتاب‌های دیگری که توسط محققان دیگر، به خصوص در دوره ابتدایی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، از مؤلفه‌های تفکر انتقادی بیشتری برخوردار است.

درصد هر یک از مؤلفه‌های تفکر انتقادی کتاب مطالعات اجتماعی



تجزیه و تحلیل

این تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور کلی میزان توجه به مؤلفه‌های تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی ۷۰ درصد است و در تفکیک محتوا به سه عنصر متن، فعالیت و تصویر، براساس مؤلفه‌های تفکر انتقادی، کمترین توجه به محتوای متنی، و بیشترین توجه به محتوای فعالیت‌ها شده است. بنابراین از این جنبه می‌توان نتیجه گرفت که نتایج این تحقیق با تحقیق دهقانی (۱۳۸۷) که بیان می‌دارد: فعالیت‌های محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و کتاب کار چهارم ابتدایی نسبت به متن و تصویرهای آن دارای مؤلفه‌های تفکر انتقادی بیشتری است و دانش‌آموزان را بیشتر در جهت پرورش تفکر انتقادی سوق می‌دهد، همسوست. می‌توان گفت که در کتاب مطالعات اجتماعی پنجم ابتدایی، به میزان ۷۰ درصد محتوا، به مؤلفه‌های تفکر انتقادی توجه شده است و محتوای این کتاب‌ها در صورت تدریس و اجرای مؤثر می‌تواند مهارت‌های تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان این پایه پرورش دهد.

همچنین به طریق دیگر یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که از مجموع ۳۰۵ واحد دارای تفکر انتقادی شامل متن، فعالیت و تصویر، تحت عنوان کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی:

- ۵۲ واحد آن، یعنی ۱۷٪ مربوط به مؤلفه پرسشگری،
- ۳۴ واحد آن، یعنی ۱۱٪ مربوط به مؤلفه تحلیل و ارزیابی،
- ۱۶ واحد آن، یعنی ۶٪ مربوط به مؤلفه استدلال،
- ۹۰ واحد آن، یعنی ۲۹٪ مربوط به مؤلفه ارزیابی شواهد و مدارک،
- ۴۴ واحد آن، یعنی ۱۴٪ مربوط به تفسیر داده‌ها،
- ۳۴ واحد آن، یعنی ۱۱٪ مربوط به مؤلفه جمع‌بندی بودن،
- ۱۳ واحد آن، یعنی ۵٪ مربوط به مؤلفه قضاوت صحیح،

۱۲ واحد آن، یعنی ۴٪ مربوط به مؤلفه منطقی بودن، و ۱۰ واحد آن، یعنی ۳٪ مربوط به مؤلفه صراحت داشتن، اختصاص دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین مقدار فراوانی مؤلفه‌ها نسبت به کل واحدهای کدگذاری شده (دارای تفکر انتقادی) مربوط به مؤلفه ارزیابی شواهد و مدارک (۲۹٪) و پرسشگری (۱۷٪)، و کمترین مقدار فراوانی مربوط به مؤلفه منطقی بودن (۴٪) و صراحت داشتن (۳٪) است. از این نظر، تحقیق حاضر با تحقیق یعقوبی (۱۳۸۹) که بیان می‌دارد: در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه تا حد زیادی بر پرورش مهارت‌های سؤال کردن، تحلیل و ارزیابی، ارزیابی شواهد و اظهارات، جمع‌بندی و منطقی بودن تأکید شده، اما در حد متوسطی به پرورش مهارت‌های استدلال کردن، تفسیر کردن، قضاوت صحیح درباره مسائل و صراحت داشتن توجه شده است، همسوست.

نتیجه‌گیری

بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های تفکر انتقادی نشان می‌دهد که در محتوای کتاب‌های پایه پنجم دوره ابتدایی، از بین مؤلفه‌های تفکر انتقادی، مؤلفه ارزیابی شواهد و مدارک (۲۹٪) بیشترین مورد فراوانی را به خود اختصاص داده است و مؤلفه صراحت داشتن (۴٪) کمترین فراوانی را دارد. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که همه مؤلفه‌های تفکر انتقادی قابل پرورش و رشد هستند و همه مؤلفه‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند. بنابراین باید به همه مؤلفه‌های تفکر انتقادی در محتوای درس‌ها به میزانی مناسب توجه شود. به‌طور کلی با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دوره ابتدایی نسبت به کتاب‌های دیگری که توسط محققان دیگر، به خصوص در دوره ابتدایی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، از مؤلفه‌های تفکر انتقادی بیشتری برخوردار است. این تحقیق نشان می‌دهد که طبق هدف‌های برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، که خود مدعی پرورش تفکر و انواع آن هستند، برنامه درسی مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی که به‌عنوان اولین تغییرات اساسی در آموزش و پرورش به اجرا درآمد، می‌تواند پرورش‌دهنده تفکر انتقادی باشد.

بنابراین در کل، تفکر انتقادی در کتاب مطالعات اجتماعی پنجم ابتدایی تا ۷۰ درصد محتوا را پوشش می‌دهد. البته باید در جهت پرورش هرچه بهتر تفکر انتقادی، به اصل تناسب در به‌کارگیری مؤلفه‌ها و همچنین محتوای متن، فعالیت و تصویر توجه بیشتری شود. و در آخر بحث می‌توان ادعا کرد که اگر این برنامه در مرحله اجرا نیز بتواند به‌خوبی عمل کند، یقیناً در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی موفق خواهد شد.

منابع در دفتر مجله موجود است.